

حرف‌های فرانسوی‌ها درباره کتاب کودک

O مریم آران

چیزی که ما به آن اقتصاد عرضه می‌گوییم، مشخص می‌شود و این عرضه کتاب است که آن را در بازار مطرح می‌کند و نه درخواست یا تقاضای خریدار. در زمینه عرضه کتاب، ما از سی سال پیش، توسعه و گسترش نشر کتاب را مشاهده می‌کنیم. از پایان سال ۱۹۴۰ میلادی، تا پایان دهه ۷۰، نشر کشور فرانسه، نشری کاملاً سازمانی و اداری بوده است.

منطق نشر کتاب کودک و نوجوان، بیشتر با هدف‌های آموزشی بوده است و نه به عنوان این که کتاب، ابزاری برای لذت بردن باشد و به طور کلی، در این دوره کتاب یک محصول مفرح فرهنگی محسوب نمی‌شود. در طول این سی سال، شاهد به وجود آمدن بخش گالیما جوانان و کودک و نوجوان بوده‌ایم که این موضوع، انقلابی در نشر کودک و نوجوان فرانسه محسوب می‌شود. به طوری که در حال حاضر، سی درصد گردش مالی کتاب کودکان و فروش کتاب، به دست گالیما جوانان انجام می‌گیرد. ناشران کتاب کودک و نوجوان در فرانسه، فقط گالیما ژنو نیست. به طور مثال، انتشارات سیرس نیز هست. به طور کلی، هشتاد ناشر در غرغه فرانسه حضور داشته‌اند که هر کدام از آن‌ها فعالانه در این زمینه کار می‌کنند. به عنوان نمونه، انتشارات کوچکی در فرانسه وجود دارد که تنها دو نفر آن را

کیاست. فرانسواز متو، مدیر انتشارات سیرس و همچنین نماینده گروه کتاب کودکان ناشران فرانسوی است. و ژان گی بوان، مدیر کل دفتر بین‌المللی نشر فرانسه است. ژان گی بوان:

قبل از این که کلام را به دو متخصص کتاب کودک بدهم، فکر می‌کنم بهتر باشد موقعیت کتاب کودک را در مجموعه کتاب فرانسه و کار کتاب فرانسه، مشخص بکنم. من فکر می‌کنم کتاب کودکان و نوجوانان، از نظر رشد تعداد عناوین و رشد کارکرد مالی، پویاترین بخش کتاب فرانسه باشد. حدود سی سال پیش، کتاب کودکان از نظر کارکرد مالی کل نشر فرانسه، شش تا هفت درصد این میزان را نشان می‌داد. در صورتی که در حال حاضر، حدود پانزده درصد این گردش را در اختیار دارد. در همین دوران، تعداد کتاب‌های فروخته شده، دو برابر شده است. اما از نظر تعداد مخاطب، یعنی تعداد کودکان، افزایشی نیافته است که این امر، نشان دهنده رشد عرصه تقاضای کتاب، از سوی کودکان در این دوره است. البته، عوامل متعددی هستند که می‌توانند در توضیح و تشریح این مسئله کمک کنند.

نقش کودکان، مانند تمامی موارد نشر، با

قفسه کتاب کودک در کتاب فروشی‌های

فرانسه

صبح روز یکشنبه، بیستم اردیبهشت ماه، نشست «تولید و گسترش کتاب کودک و نوجوان در فرانسه و ایران»، در حاشیه هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی تهران، در کافه ادبی غرغه فرانسه، برگزار شد.

در این نشست، خانم‌ها ناتالی بو، لیلی حائری‌یزدی، و فرانسواز متو و آقای ژان گی بوان، شرکت داشتند.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان، نخست به معرفی کوتاهی از حاضران در این جلسه می‌پردازیم و سپس چکیده‌ای از گفته‌هایشان را نقل می‌کنیم.

ناتالی بو، با تأسیس کتابخانه تخصصی، در سال ۱۹۷۷ میلادی، گامی بلند در عرصه کتاب کودک و نوجوان برداشت. وی که در بخش کودک و نوجوان موسسات انتشاراتی گالیما و ناتان فعالیت می‌کند، عضو فعال سازمان «کتاب پیام آور شادی» است که به توسعه تبادلات بین‌المللی کتاب می‌پردازد.

لیلی حائری‌یزدی، مشاور در امور فرهنگی و مسئول روابط بین‌المللی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و متخصص کتاب‌های کودک و نوجوان است. حائری مؤسس آژانس ادبی

اداره می‌کنند، اما این انتشارات حدود ده کتاب در سال منتشر می‌کند و یکی از جایزه‌های بزرگ نمایشگاه بولونیا را برده. در زمینه کتاب کودک و نوجوان، به موارد دیگری هم باید اشاره کنیم. با توجه به تخصصی‌تر شدن شبکه کتاب فروشی فرانسه، تعداد قفسه‌های کتاب کودک در کتاب‌فروشی‌ها، بسیار بیشتر شده است. بنابراین، وقتی از اقتصاد عرضه صحبت می‌کنیم، یکی از مهم‌ترین عناصر آن، همین ویتترین کتاب‌فروشی‌ها است که کتاب کودک و نوجوان در آن‌ها ارائه می‌شود. در این میان، باید به کار بسیار برجسته کتابدارها هم اشاره کرد که در کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های عمومی مستقر در شهرداری‌ها حضور دارند، کتاب‌ها را معرفی می‌کنند و به مخاطبین و خوانندگان‌شان ارائه می‌دهند. هم چنین، در موسسات آموزشی، تحول جایگاه کتاب کودک و نوجوان را می‌بینیم که آموزگاران خیلی فعالیت می‌کنند تا این کتاب‌ها در

ژان گیبون:

نقش کودکان، مانند تمامی موارد نشر، با چیزی که ما به آن اقتصاد عرضه می‌گوییم، مشخص می‌شود و این عرضه کتاب است که آن را در بازار مطرح می‌کند و نه درخواست یا تقاضای خریدار

اختیار خواننده قرار گیرد و میزان مطالعه کتاب کودک و نوجوان زیاد شود. وقتی در مورد کتاب کودک و نوجوان صحبت می‌کنیم، منظور رده سنی تا ۱۵ و ۱۶ سال است.

البته همه چیز کامل نیست، به خصوص این که ناشران کتاب کودک، می‌خواهند که کارشان را تحول و توسعه بدهند. در این زمینه، ما دو عامل خیلی فعال داریم: یکی مولفان، نویسندگان، مترجمان و تصویرگران هستند و در کنار آن‌ها معلمان و کتابدارها که این کتاب‌ها را ارائه می‌کنند. از سوی دیگر، کتاب‌های کودک و نوجوان، به طور کلی بیشترین میزان قراردادهای حقوق مؤلف را در زبانهای دیگر دادند. ما در قاره آسیا، بیشترین میزان فروش را داریم. آن طور که ما می‌بینیم، در ایران نیز این حقوق را برای ترجمه

کتاب‌ها خریداری می‌کنند.

فرانسواز متو: بسیار خوشحالم که این جا هستم. شروع کار من در نشر، به دلیل علاقه و شناختن فرهنگ‌ها و آداب سایر ملل بوده است. من کارم را با واردات کتاب کودک از دیگر کشورها، در یک کتاب فروشی شروع کردم و الان هم کار نشر را بر عهده دارم.

ما نویسنده‌ها و تصویرگران شما را می‌شناسیم؛ چون در سال ۱۹۹۰، مجموعه دو زبان‌ای داشتیم که شامل سه کتاب می‌شود؛ از جمله افسانه ایران، آشپزی ایران... که مجموعه‌هایی است که به زبان فارسی و فرانسه، چاپ می‌شود. یکی دیگر از موفقیت‌های ما کتاب خط است. این کتاب، به دوران کتاب فروشی من برمی‌گردد که در مورد تولد یا زایش خط صحبت می‌کند و در حدود پنجاه نوع خط را معرفی کرده است.

بعد از تجربه کتاب فروشی که ما داشتیم و بسیار هم غنی بود، به انتشارات سیرس پیوستیم و کار بخش کودک و نوجوان آن را که تازه شروع کرده بود، در دست گرفتیم. این بخش سعی داشت روی تمامی نواحی فرانسه و در واقع، تمامی اقلیت‌های قومی فرانسه، در بخش کودک و نوجوان کار کند. دلیل این که توضیحات بالا را گفتم، این است که ما امسال، بیست سالگی بخش کودک و نوجوان انتشارات سیرس را جشن گرفتیم. و دیگر این که ما مؤسسه کوچکی هستیم، اما توانستیم کارمان را ادامه بدهیم. برای این که ما صاحب هویت هستیم، به طور کلی در فرانسه، ناشران کوچک به سبب همین هویت نیرومندی که دارند، قادرند کارشان را ادامه دهند.

ژان گیبون، در مورد انتشارات گالیمار صحبت کرد: یک انتشارات بسیار بزرگ که سی درصد گردش مالی کار کودک و نوجوان را در اختیار دارد. در کنار این موسسه، انتشارات کوچک‌تری هم حضور دارند. به طور کلی، ما دو نوع کار داریم در زمینه نشر کودک و نوجوان نوع اول، در مؤسسات بزرگی انجام می‌شود که امکانات بازاریابی و بازرگانی بسیار قوی دارند و آثارشان در تعداد زیادی از فروشگاه‌های مختلف دیده می‌شود و نوع دوم، کار بازرگانی است که به میانجی‌ها و واسطه‌ها مربوط می‌شود. این‌ها با کتابداران و با معلمان دیدار می‌کنند و وارد موسسات می‌شوند و کتاب‌ها را به آن‌ها عرضه

می‌کنند.

اگر بخواهیم این موارد را توضیح دهیم، خیلی زمان می‌برد و صحبت را طولانی می‌کند. اما من فقط به یک مورد اشاره می‌کنم مثلاً اگر ما در زمینه رمان کار می‌کنیم و می‌خواهیم کتب ارزان قیمت به عنوان مثال کتاب‌های جیبی تولید کنیم، کار بازاریابی و فروش آن، بسیار پیچیده و سخت است. معمولاً مؤسسات کوچک‌تر، محدود به این هستند که در زمینه‌هایی که مؤسسات بزرگتر در آن کار نمی‌کنند، فعالیت کنند. به عنوان مثال، ما کتاب‌های جیبی ارزان قیمتی تولید می‌کنیم که از کیفیت ادبی خوبی برخوردارند. کتاب‌های کوچکی که برای کودکان و نوجوانان و کتاب‌هایی که در زمینه سایر فرهنگ‌ها مطلب دارند، بدون شک در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های بزرگ پیدا نمی‌شوند، بلکه این کتاب‌ها در کتاب فروشی‌های خاص و خوب که بخش کودک و نوجوان پیشرفته و تحول یافته دارند، پیدا می‌شوند.

همان طور که گفتم، ما در زمینه کتاب‌های کوچک و ارزان قیمت کار می‌کنیم. ما با مولفان خوب صحبت کردیم که تألیف این کتاب‌ها را با کیفیت ادبی بالا انجام دهند و سپس این کتاب‌ها را به بازار کتابداران و معلمان معرفی کردیم. در کنار این فعالیت‌ها، وقتی خواستیم مجموعه حکایاتی هم داشته باشیم، داستان‌سرایان به حرف‌مان گوش کردند و داستان‌شان را برای ما نوشتند و بعد، ما نکته‌ای را که می‌خواستیم، به داستانی که حکایت شده بود، نزدیک می‌کردیم، در این جا ما دو مسئله را رعایت کردیم؛ یکی این که تصویر در این کتاب‌ها بود و حتی به صورت نقاشی روی چوب هم کار شده بود و ما به شکلی بسیار زیبا این تصاویر را ایجاد کردیم و بعد از نظر لیتوگرافی و چاپ، حروفی را انتخاب کردیم که بسیار خوانا باشند.

ما کتاب‌های دیگری هم تحت عنوان «کتاب شهروندان» تولید کردیم که در مورد همکاری و کمک به هم‌نوع بود. البته، کتابچه راهنمایی برای تدریس این کتاب‌ها در اختیار معلمان گذاشتیم و سؤالاتی در آن مطرح کردیم تا آموزگاران بتوانند با استفاده از این کتابچه، در کلاس کار کنند.

شاید شخصاً این را مطرح نکرده باشم، اما کتاب‌های کوچک و ارزان ما، برای معلمان و برای مؤسسات و مدارس در نظر گرفته شده است و ما این کتاب‌ها را در کتاب فروشی‌ها نمی‌بینیم. مخاطبان ما بیشتر کتابداران و کتابخانه‌ها هستند. کتاب‌هایی را که می‌توانستیم در کتاب فروشی‌ها ارائه کنیم، در میان مجموعه‌های خود گنجاندیم. به عنوان مثال، مجموعه حکایات چین را داشتیم. در واقع به کمک یک هنرمند جوان چینی، حکایات اقوام مختلف چین را جمع‌آوری کردیم

که پرتنه‌هایی هم روی ابریشم، از چهره هر قوم کشیده شده بود. به طور کلی، هر حکایتی از هر قوم، با یک پرتنه از آن قوم شروع می‌شد. کتاب بعدی، مربوط به هنرمند نقاشی است که در گالری‌های بزرگ، کارش به نمایش در می‌آید. او کاری انجام داده بود به صورت کلاژ که ما آن را چاپ کردیم.

بهترین کتابی که در حال حاضر در فرانسه به فروش می‌رسد، روایت جدیدی است از موضوع گرگ و بره که نشان دهندهٔ وفاق بین گوسفندان است که به رهبری یک برهٔ کوچک، با گرگ مبارزه می‌کنند.

ناتالی بو: من این جا کتاب‌های زیادی آورده‌ام که می‌توانیم در موردشان صحبت کنیم و

ژان گی بوان:

وقتی از اقتصاد عرضه صحبت می‌کنیم،

یکی از مهم‌ترین عناصر آن،

همین ویتزین کتابفروشی‌ها است که

کتاب کودک و نوجوان در آن‌ها

ارائه می‌شود. در این میان،

باید به کار بسیار برجستهٔ کتابدارها هم

اشاره کرد که در کتابخانه‌ها،

به ویژه کتابخانه‌های عمومی مستقر در

شهرداری‌ها حضور دارند،

کتاب‌ها را معرفی می‌کنند و

به مخاطبین و خوانندگان شان

ارائه می‌دهند

بعد از این نمایشگاه هم کارمان را ادامه بدهیم و ارتباط داشته باشیم. من با کار کتاب کودک و نوجوان در ایران، آشنا شدم و شاهد بردن جایزهٔ نمایشگاه بولونیا، توسط یک کتاب کودک و نوجوان ایرانی بودم.

من در فرانسه، در مؤسسه‌ای کار می‌کنم با نام «شادی از طریق کتاب‌ها» که در زمینهٔ کتاب کودک و نوجوان فعالیت دارد و به مرکز ملی کتاب کودک و نوجوان مربوط می‌شود که وابسته به وزارت فرهنگ فرانسه است. ژان گی بوان، در مورد عوامل توسعهٔ کتاب کودک که صحبت می‌کردند، به توسعه و گسترش کتابخوانی عمومی اشاره کردند. باید بگویم که ما از ابتدای این کار، با کتاب کودک و نوجوان ارتباط داشته‌ایم. ما در سال ۱۹۶۳، اولین کتابخانهٔ کودکان فرانسه را در یک

محلهٔ بسیار مردمی، تأسیس کردیم. دیدگاهی که ما در مورد کتاب کودک در این کتابخانه داشتیم، کاملاً با دیدگاهی که در زمینهٔ کتابداری وجود داشت، متفاوت بود. کتابخانه در حقیقت، محل آزادی و زندگی کودک است. کودک می‌رود آن جا و کتاب‌هایی را که دوست دارد، انتخاب می‌کند و در این محل است که کودک نقش خودش را پیدا می‌کند. این کتابخانه، نه تنها محلی است که کودک می‌تواند در آن کتاب بخواند، بلکه می‌تواند فعالیت‌های دیگری هم داشته باشد. به عنوان مثال، می‌تواند با کتاب کار کند. البته این کار با کتاب، کاری مدرسه‌ای نیست، بلکه جدای از این مسئله است.

از حدود چهل سال پیش که این کار شروع شد، تحول و گسترش زیادی پیدا کرده است. ما کتاب‌های کودک و نوجوانی را که در فرانسه چاپ می‌شود، جمع‌آوری می‌کنیم که در حال حاضر، به یک منبع اطلاعاتی بزرگ تبدیل شده است و همه نوع اطلاعات در مورد کتاب کودک و نوجوان، در این کتابخانه وجود دارد. ما هم اکنون ۲۰۰ هزار عنوان کتاب، در این مرکز در اختیار داریم. مراجعه به مرکز برای تمام کسانی که به زمینهٔ کتاب کودک و نوجوان علاقه‌مند هستند، آزاد است. نویسندگان، محققان و دست اندرکاران کتاب کودک و حتی کسانی که فقط علاقه به کتاب کودک دارند، می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند.

بدون شبکه برای تحول کاری که ما داشتیم، راه‌های مختلفی در اختیارمان بود. به عنوان مثال، ما باید کتاب‌های برجسته را معرفی کنیم.

ما در فرانسه، هر سال حدود ۸ هزار عنوان کتاب کودک داریم که باید برگزیدهٔ کتاب‌های کودک را معرفی کنیم. هم چنین، باید از طیف ناشران کوچک که کتاب‌هایشان همیشه هم در کتاب فروشی‌های بزرگ مشاهده نمی‌شود، حمایت کنیم.

برای تحقق این هدف، نشریهٔ کتاب برای کودکان را تأسیس کردیم که سی شماره در سال چاپ می‌شود و به فروش می‌رسد و در آن، برگزیده‌های کتاب کودکان را معرفی می‌کنیم.

علاوه بر این، هر بار زمینه و موضوع جدیدی را در آن مطرح می‌کنیم. به عنوان مثال، تجزیه و تحلیل کتاب‌های مصور یا به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل تصاویر را در آن توضیح می‌دهیم. در یک

شماره در هر سال، برگزیدهٔ کتاب‌های سال را معرفی می‌کنیم که نمونهٔ این کار، معرفی کتاب‌های برگزیده سال ۲۰۰۳ است.

ما در فعالیت‌هایی که با دیگر کتابخانه‌ها انجام می‌دهیم، برای آن‌ها برنامه‌هایی در نظر می‌گیریم و فعالیت‌هایی که می‌توانند بر اساس این برنامه‌های انجام دهند. آن‌ها می‌توانند از طریق نشریات و روش‌های مختلف کاری ما، فعالیت‌های متنوعی داشته باشند و ما را در جریان قرار دهند.

در قسمت بین الملل، بخشی داریم که در زمینهٔ کتاب کودک و نوجوان، در تمام جهان فعالیت می‌کند. به عنوان مثال، در زمینهٔ کتاب کودک آفریقا و کتاب کودک در جهان عرب است. البته، به سایر کشورها هم توجه داریم. یادآوری می‌کنم که بخش بین الملل کتاب کودک فرانسه، بخشی از همین مؤسسهٔ شادی از طریق کتاب‌ها است. من بسیار خوشحالم که با دوستداران و همکاران ایرانی فعال در زمینه کتاب کودک و نوجوان نیز آشنا شدم و ارتباط برقرار کردم. اما اگر بخواهیم در مورد توسعه کتابخوانی در فرانسه، در زمینهٔ کتاب کودکان صحبت کنیم، این توسعه در کتابخوانی، از نوزادان شروع می‌شود. در سال‌های دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، مؤسسه‌ای ایجاد شدند که بچه‌ها را بپذیرند و از آن‌ها نگهداری کنند. باید این بچه‌ها را مشغول نگه داشت و سر آن‌ها را گرم کرد و بعد به این نتیجه رسیدند که نوزادان، کتاب‌ها را خیلی دوست دارند.

در حال حاضر، در جاهایی که کودکان و نوزادان می‌روند، مثل مؤسسات و مهد کودک‌ها یا زمانی که مادران برای رشد کودک خود به پزشک مراجعه می‌کنند، خانم‌های کتابخوانی هستند که با سید کتابی می‌آیند، در کنار بچه‌ها قرار می‌گیرند و برای آن‌ها کتاب می‌خوانند. این کودکان، وقتی چنین فعالیتی برای‌شان انجام می‌شود، آزادند که گوش بدهند، بچرخند و یا حتی بازی کنند. وقتی این بچه‌هایی که حدود یک سال دارند، پیش این کتابخوان‌ها می‌روند، کتاب مورد علاقه خود را در دست می‌گیرند، یعنی متوجه آن کتاب و کار کتابخوانی می‌شوند.

افرادی که بیشترشان روان‌شناس کودک هستند، با این کتابخوانان کار می‌کنند. آن‌ها متوجه شدند که اهمیت کتاب برای کودک، آن است که بسیار راحت آن‌ها را با زبانی دیگر آشنا می‌کند که با زبان عادی که با آن حرف می‌زنند، تفاوت دارد. با این که این زبان، زبانی که در کتاب کودک به کار می‌رود، زبان ساده‌ای است، اما ساختاری سازمان‌یافته دارد. این داستان‌ها چون حالت روایی دارد، با یک ورودیه شروع می‌شود، تحول پیدا می‌کند و بعد به نتیجه‌گیری و پایان کار

می‌رسد. در چنین حالتی، به کودک کمک می‌کند که این سازمان را یاد بگیرد. این زبان، زبانی است که به کودک تصور کردن و خیال‌پردازی را یاد می‌دهد. و کودک می‌تواند با زبان کتاب، رویاهایش را بسازد.

چند لحظه پیش، در مورد اهمیت کتابخوانی و این که فراتر از کار آموزشی و فراگیری است، صحبت کردیم. حال می‌بینیم که این عاملی اساسی‌تر و بنیادی‌تر است که به شکوفا شدن بچه‌ها کمک می‌کند و یکی از راهکارهایی است که ما در فرانسه به آن می‌اندیشیم.

شجاعی: آیا در مورد مهاجرانی که در فرانسه زندگی می‌کنند و کودکان این مهاجران، فکری کرده‌اید یا خیر؟

ناتالی بو: یک کتاب فروشی در پاریس وجود دارد به نام «درخت کتاب» که سیاستش همین ارائه فرهنگ مهاجران است. این کتاب فروشی نه فقط کتاب‌هایی به زبان فرانسه، بلکه به دیگر زبان‌ها در اختیار افراد علاقه‌مند می‌گذارد. این فرهنگ و زبان مهاجران، در حقیقت به گونه‌ای است که اکثراً به کودکانی تعلق دارد که پدر خارجی و مادر فرانسوی یا بالعکس دارند و یا به طور کلی متعلق به خانواده‌ای هستند که ممکن است زبان و فرهنگشان، جزو زبان‌ها و فرهنگ‌های حاشیه‌ای باشد و خطر فراموشی تهدیدشان کند. برای همین ما سعی کردیم کتاب‌های دو زبانه‌ای چاپ کنیم که هر دو زبان را در یک سطح قرار دهد. در بخشی که فعالیت دارم، برای چاپ کتاب به زبان‌های خارجی تلاش می‌شود و به طور کلی، سعی بر این داریم که در مورد چگونگی معرفی این کتاب‌ها راه‌هایی بیندیشیم. به عنوان مثال، یکی از این راه‌ها وجود کتاب‌هایی به زبان خارجی، در میان کتاب‌های برگزیده سال است.

اولین زبانی که به آن بیشتر پرداختیم، چاپ کتاب به زبان عربی است. می‌دانید تعداد مهاجران عرب زبانی که در فرانسه زندگی می‌کنند، بسیار است. مورد دیگر، زبان‌های خاور دور است؛ مثل زبان ویتنامی و دیگر زبان‌ها. به هر حال، تعداد زبان‌ها زیاد است و در این زمینه، من به تنهایی کار می‌کنم.

یکی از حاضران: آیا این اطلاعات از طریق اینترنت هم قابل دسترسی است؟

ناتالی بو: طی شش ماه آینده، این اطلاعات، نه فقط برای سفارش کتاب، بلکه برای کارهای پژوهشی نیز روی اینترنت خواهد بود.

فرانسواز متو: خیلی وقت‌ها این کتاب‌های دو زبانه، خیلی خوب ارتباط برقرار نمی‌کنند. یکی دیگر از راه‌های معرفی ادبیات کشورهای مبدأ به کودکان و نوجوانان و ترجمه کتاب‌ها و رمان‌های

آن کشور به زبان فرانسه و در اختیار قرار دادن آن‌ها به کودکان و نوجوانان است.

لیلی حائری: در مورد کتاب‌های دو زبانه، خصوصاً کتاب‌های عربی - فرانسوی و این که عربی از راست به چپ و فرانسوی از چپ به راست نوشته می‌شود، آیا هنگامی که در اختیار مخاطب فرانسوی قرار می‌گیرد، مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

فرانسواز متو: خیلی ساده است؛ چون در این کتاب‌ها زبان فرانسه، زبان ترجمه است. ما فقط زبان اصلی را در نظر گرفتیم. به عنوان مثال، در مورد یک کتاب فارسی، ما کتاب را از راست به چپ در نظر گرفتیم. در صورتی که در کتاب فروشی، آن را از چپ به راست می‌گذارند. برای همین، در آخرین صفحه فارسی که اگر دقت کنید که اولین صفحه برای یک فرد فرانسوی خواهد بود، نوشته شده است: سلام، شما این جا در آخرین صفحه کتاب قرار دارید. لطفاً کتاب را از طرف دیگر باز کنید.

یکی از حضار: شما کتاب‌های کوچکی برای بچه چاپ می‌کنید. در صورتی که بچه‌ها بیشتر به عکس علاقه‌مند هستند تا موضوع و مطلب. مثلاً نوه خود من، اگر کتابی عکس نداشته باشد، اصلاً نگاهش نمی‌کند. وقتی عکس باشد، می‌بیند و می‌فهمد. البته شما این‌ها را به این صورت درآوردید که ارزان‌تر باشد و مردم بهتر بخرند، ولی اگر عکس داشته باشد، بچه‌ها بیشتر توجه می‌کنند. حتی خود ما هم وقتی می‌خواهیم کتابی برای بچه‌ها بخریم، اول نگاه می‌کنیم که چه عکس‌هایی دارد. فرانسواز متو: بله، تصویر در

کتاب، بچه‌ها را به خواندن علاقه‌مند می‌کند. اما این گونه کتاب‌ها با توجه به متنی که نوشته شده و با توجه به کیفیت نوشته، بچه را از لحظه‌ای که شروع می‌کند به خواندن، علاقه‌مند می‌کند و بچه می‌خواهد کتاب را تا پایان ادامه دهد. این کتاب‌ها تصویر ندارند و ارزان در می‌آیند، اما متن و نحوه چین حروف در آن‌ها متفاوت است. ما طوری این کتاب‌ها را حروف چینی کردیم که همان طور که به خواندن ادامه می‌دهند، تنوع داشته باشند. در نمایشگاه‌ها به این مسئله بسیار برخورد می‌کنیم که وقتی کتاب را پدر و مادر از قفسه برمی‌دارند، نگاه می‌کنند و به بچه می‌گویند این کتاب مال تو نیست، چون تصویر ندارد. در حالی که تصویر عامل اضافه‌ای است که کودک را به خواندن جذب می‌کند و اگر متنی خوب نوشته شود، همان کفایت می‌کند برای این که

کتابخوانی ادامه پیدا کند.

یکی از حضار: آیا ارتباطی بین ناشران فرانسوی و ایرانی وجود دارد که این کتاب‌ها در ایران و با قیمت ارزان‌تر چاپ شود؟

ژان گی بوان: مسئله این جاست که ایران، هنوز کمیسیون برن (قانون کپی رایب) را امضا نکرده و عضو کمیسیون برن نشده است. بنابراین این مسئله هنوز امکان‌پذیر نیست. به هر حال، برای ناشران فرانسوی، مسئله حقوق مؤلف، کاملاً پیچیده خواهد شد. وقتی ما در چارچوب قانون کپی رایب قرار داریم، دولت ایران می‌تواند تصمیم بگیرد که کمیسیون برن را امضا بکند تا ایران هم در چارچوب قانون کپی‌رایب و حقوق مؤلف قرار بگیرد. آن وقت روندی که در حال حاضر، فرانسه دارد در الجزایر اجرا می‌کند، در ایران هم امکان‌پذیر خواهد بود.

لیلی حائری: ما در حال حاضر، با ناشرین

فرانسواز متو:

کتاب‌های کوچکی که

برای کودکان و نوجوانان و کتاب‌هایی که

در زمینه سایر فرهنگ‌ها مطلب دارند،

بدون شک در سوپرمارکت‌ها و

فروشگاه‌های بزرگ پیدا نمی‌شوند،

بلکه این کتاب‌ها در کتاب فروشی‌های

خاص و خوب که بخش

کودک و نوجوان پیشرفته و

تحول یافته دارند،

پیدا می‌شوند

فرانسه همکاری داریم. در سال ۱۹۹۰، یک ناشر فرانسوی با ما کار می‌کرد و سالانه از ما کتاب می‌خرید. بنابراین، عضو نبودن ایران در کپی رایب، مانع ارتباط ایران با ناشرین فرانسوی و اروپایی نیست.

فرانسواز متو: آن چه من مطرح کردم، مربوط به قرار داد نشر کتاب به زبان فرانسه بوده است و نه خرید کتاب. ترجمه کتاب، از نظر معنوی، تعهدی به گردن ناشران می‌گذارد. وقتی صحبت از نشر کتاب به زبان فرانسه می‌شود، یعنی در حقیقت جا به جایی محل تولید و انتشار کتاب که این امر، مستلزم آن است که تعداد نسخ چاپ شده، کنترل شود و این کنترل، از فاصله چهار یا پنج هزار کیلومتری امکان‌پذیر نیست و دولت ایران هم نمی‌تواند آن را انجام دهد؛ چرا که هنوز عضو کمیسیون برن نشده است.